

رویداد

نمایشگاه مجازی کتاب و مصائب

بخوانیم برای ایران

شرق: در شرایطی که بحران اقتصادی ناشی از شرایط جنگ و تورم دام‌گیر حوزه نشر و کتاب نیز شده است، هفتمین نمایشگاه مجازی کتاب، امیدی برای رونق اندک بازار کتاب خواهد بود. اما برگزارِ مجازی نمایشگاه کتاب با محدودیت‌هایی از جمله شرایط اینترنت و گرانی امکانات ارسال کتاب و همچنین بالا رفتن قیمت کتاب به دلیل افزایش قیمت کاغذ و سایر لوازم نشر نیز همراه است، که موجب نگرانی ناشران و اهالی کتاب شده است. با این حال، ناشران نمایشگاه کتاب مجازی را فرصتی برای تسهیل فروش کتاب می‌دانند و معتقدند هرگونه اقدام برای ترویج کتاب‌خوانی می‌تواند موجب همبستگی شود و چراغ دانایی را روشن کند.

کتاب پناهگاه مردم است

علیرضا رئیس دانا، مدیر انتشارات نگاه، در گفت‌وگو با «اینا» با اشاره به تجربه دوره‌های پیشین گفت نمایشگاه کتاب در هر دوره‌ای، زمینه‌ای ارزش‌مند برای تبلیغ فرهنگ کتاب‌خوانی بوده است و به نظر می‌رسد این رویداد، اگر در فضای مجازی هم به‌درستی برگزار شود، مزیت‌های زیادی دارد. مدیر انتشارات نگاه با تأکید بر ضرورت تداوم برگزاری نمایشگاه کتاب به‌عنوان پناهگاه دایمی و آگاهی مردم گفت: «با گرانی بست، پاکت و جیب و مشکلات زیرساختی اینترنت، فروش کتاب‌های معمولی برای ناشران توجیه اقتصادی ندارد». رئیس دانا البته به مزیت‌های نمایشگاه مجازی کتاب نیز اشاره کرد: «یکی از مزیت‌های نمایشگاه مجازی این است که مخاطب می‌تواند در هر ساعت از شبانه‌روز، در خانه بنشیند و از طریق سایت، کتاب مدنظرش را خریداری کند. سال گذشته در ششمین دوره نمایشگاه مجازی که با نمایشگاه فیزیکی همراه بود، این تجربه نسبتاً خوب را داشتیم و ساعت سفارش‌ها نشان‌دهنده این مزیت بود». اما امسال ماجرا از قرار دیگری است. ناپایداری اینترنت و قطع اینترنت بین‌المللی، چالش عمده‌ای سر راه نمایشگاه مجازی کتاب است و علاوه‌بر آن، به‌تعبیر مدیر انتشارات نگاه، «هزینه‌های سرسام‌آور پست و بسته‌بندی» نیز مسئله دیگری است که ناشران امسال با آن مواجه‌اند. رئیس دانا با مقایسه شرایط کنونی با گذشته گفت: «چند دهه قبل، به خاطر دارم که خدمات پستی و مطبوعاتی با تخفیف‌های ۵۰درصدی همراه بود، اما در پنج، شش سال اخیر، به‌ویژه در دوران اخیر، این هزینه‌ها به شکل وحشتناکی افزایش یافته و وضعیت برای ناشران بسیار سخت شده است». مدیر انتشارات نگاه درباره ضرورت فرهنگی نمایشگاه کتاب تأکید کرد: «کتاب همیشه در سخت‌ترین شرایط، ازجمله جنگ هشت‌ساله، پناهگاه مردم و روشن‌کننده چراغ دانایی بوده است. امروزه هم اگر مردم در خانه بنشینند و کتاب بخرند و بخوانند، این چراغ آگاهی روشن می‌ماند. هرچه کتاب‌خوان بیشتر شود، فرهنگ ارتقا می‌یابد، اندیشه ناب به انسان‌ها افزوده می‌شود و به تیج آن، جرم و جنایت کاهش پیدا می‌کند. به قول قدیمی‌ها، با کتاب می‌توان زندان‌ها را خلوت کرد». او همچنین با طرح این موضوع که به‌طور طبیعی برگزاری نمایشگاه مجازی می‌تواند به ایجاد نقدی‌نگی برای ناشران کمک کند، گفت: «این موضوع زمانی محقق خواهد شد که هزینه‌های جانبی کنترل شود، در اتحادیه ناشران و کتاب‌فروشان تهران هم مطرح کردیم که اعمال تخفیف‌های اجباری نمایشگاه، با این هزینه‌های پست و بسته‌بندی، برای ناشر معنی ندارد و فقط فشار مالی را بیشتر می‌کند». رئیس دانا معتقد است اگر دغدغه فرهنگ و ترویج کتاب‌خوانی وجود دارد، باید تفاوت قیمت کتاب‌های ارزان و گران در محاسبه هزینه ارسال، دیده شود؛ در غیراین صورت، فروش کتاب‌های زیر ۴۰۰ هزار تومان عملاً غیرممکن خواهد شد.

تسهیل فروش کتاب

ابراهیم کریمی‌زنجانی، رئیس اتحادیه ناشران و کتاب‌فروشان تهران، نیز به ستاد خبری هفتمین نمایشگاه مجازی کتاب تهران گفت: «ایران همواره بر فرهنگ خود تکیه داشته و همچنان کتاب یکی از مهم‌ترین پایه‌های فرهنگی این سرزمین به شمار می‌رود. برگزاری نمایشگاه مجازی کتاب در هر شرایط و فرصتی به‌ویژه در این روزها می‌تواند بر فضای فرهنگی جامعه اثرگذار باشد و در داخل و خارج از کشور بازتاب پیدا کند». او همچنین به نقش نمایشگاه مجازی کتاب تهران در تسهیل و رونق فروش کتاب اشاره کرد و گفت: «نمایشگاه مجازی کتاب تهران بیش از هر چیز با هدف تسهیل فروش کتاب شکل گرفته است، اما در کنار آن لازم است برنامه‌های فرهنگی مکمل نیز تدارک دیده شود. برگزاری نشست‌ها و گفت‌وگوهای آنلاین میان مخاطبان و فعالان حوزه کتاب ازجمله نویسندگان، شاعران، مترجمان و تصویرگران می‌تواند به پویایی بیشتر این رویداد کمک کند و بخشی از فضای تعاملی نمایشگاه حضوری را بازآفرینی کند». کریمی‌زنجانی در ادامه درباره حضور کتاب‌فروشی‌ها در نمایشگاه مجازی کتاب تهران گفت: «بهتر است زمان فروش ناشران و کتاب‌فروشان از یکدیگر تفکیک شود. به‌این‌صورت که ابتدا ناشران فروش خود را آغاز کنند و پس از چند روز، فرصتی نیز برای کتاب‌فروشی‌ها فراهم شود تا آنها هم بتوانند در فرایند فروش کتاب مشارکت داشته باشند». او همچنین به افزایش توجه مردم به کتاب در شرایط کنونی کشور اشاره کرد؛ اینکه در دو ماه گذشته استقبال مردم از کتاب‌فروشی‌ها و خرید کتاب بیشتر شده و بسیاری از مخاطبان بیش از گذشته به سراغ کتاب رفته‌اند. رئیس اتحادیه ناشران و کتاب‌فروشان تهران به نقش خانواده در ترویج فرهنگ مطالعه نیز اشاره کرده و گفت: «اگر پدر و مادرها خود اهل مطالعه باشند، به طور طبیعی این رفتار به فرزندان نیز منتقل می‌شود. درواقع کودکان با دیدن عادت مطالعه در خانواده به شکل عملی به کتاب‌خوانی ترغیب می‌شوند. آنها باید همراه کودکان خود به کتاب‌فروشی‌ها سر بزنند و در فرایند خرید مستقیم کتاب دخیل‌شان کنند». کریمی‌زنجانی، نقش رسانه‌ها در برگزاری نمایشگاه مجازی کتاب تهران را نیز مهم دانست: «رسانه‌ها می‌توانند با اطلاع‌رسانی گسترده‌تر درباره این رویداد، زمینه آگاهی بیشتر مخاطبان را فراهم کنند. بازتاب و پوشش مناسب موضوع نمایشگاه مجازی کتاب در رسانه‌های عمومی کشور می‌تواند به افزایش مشارکت مخاطبان و رونق بیشتر این رویداد فرهنگی کمک کند». هفتمین نمایشگاه مجازی کتاب تهران از بیست‌وششم اردیبهشت تا دوم خرداد (۱۴۰۵) با شعار «بخوانیم برای ایران» برگزار می‌شود.



«محافظه‌کاری» از نام نشریه‌ای گرفته شد که شاتو بریان که خود از محافظه‌کاران بنام فرانسه بود، در سال ۱۸۱۸ منتشر کرد. نام این نشریه le conservateur بود که به صورت هفتگی منتشر می‌شد. نام conservateur نام با‌مسمای است، زیرا این کلمه در فرانسه به معنای ملامت، میانه‌روی و بیشتر به معنای نگهداری* است و این‌با معنای سیاسی محافظه‌کاری یعنی گروهی تخصصی یا جریان‌اتی که نگهدار یا مدافع وضع موجود بودند، جور درمی‌آید. با این حال، conservateur یا محافظه‌کاری در فرانسه بعد از شاتو بریان نام هیچ حزب سیاسی نشد، اما ایده محافظه‌کاری به اشکال مختلف به‌عنوان ایده‌ای قوی و ریشه‌دار به حیات اجتماعی-سیاسی خود ادامه داد. این ایده به‌خصوص در کوران انقلاب فرانسه و بعد از آن و البته در تقابل با آن، ضح و انسجام بیشتری به خود گرفت و در سایر کشورها بسته به مقتضیات سیاسی آن کشور، ایدم‌درازی شد و به صورت نیروی سیاسی معین با مانیفستی مشخص به حیات خود ادامه داد. در میان کشورهای هم‌جوار با فرانسه، انگلستان بیشتر از سایر کشورها مستعد دریافت محافظه‌کاری بود؛ چراکه محافظه‌کاری در انگلستان سنتی کهن بود که قدمتی طولانی داشت، تا به آن اندازه که حتی برحرارت‌ترین و ناامدترین نفرت‌ها نیز نتوانسته بود این سنت را در آن کشور از پای درآورد. در همین خاطر انگلستان به هیچ رو ترسمی از ورود ایده‌های نو به داخل کشور خود نداشت که حتی با نوعی اعتمادبه‌نفس که متکی به سنت‌هایش بود، پذیرای آنها می‌شد تا به تدریج آن ایده‌های نو و آوانگارد در شن‌های نرم نیمه‌سخت و نیمه‌سست انگلستان خسته و فرسوده شده، هضم سنت‌های آن کشور گردند.

محافظه‌کاری در عرصه سیاست تا قبل از انقلاب فرانسه، ایده‌ای از پیش پذیرفته‌شده و معمول بود؛ گویا محافظه‌کاری پذیرفته بود که همه چیز همان‌طوری است که باید باشد و نیازی به تغییر و حتی اصلاح نیز وجود ندارد و اساساً ایده محافظه‌کاری از یک منظر بر این اصل پیشینی استوار بود که قوانین وضع نمی‌شوند.** بلکه کشف می‌شوند و کشف آنها نه با دخالت عمومی یا خواست مردمی، بلکه مبتنی بر سازوکارهایی است که پیشاپیش وجود داشته یا درواقع از قبل تجربه شده است. بدین‌سان محافظه‌کاری بنا بر غریزه که از «امری طبیعی» سرچشمه می‌گرفت از هرگونه تغییرات ناگهانی و رادیکال که ممکن بود پیام‌های منفی پیش‌بینی‌نشده‌ای داشته باشد، دوری می‌کرد و به عقل سیاسی خود که آن را به‌طور طبیعی تجربه کرده بود، اعتماد داشت. شاید تنها بعد از انقلاب فرانسه بود که محافظه‌کاری با شوکی مواجه گردید که قبلاً آن را تجربه نکرده بود. تا قبل از این، محافظه‌کاری راحت‌تر بود که بگوید با چه چیز مخالف است، اما به تدریج دریافته بود که این کافی نیست و علتش هم تحرک شتابان اجتماعی، تأثیر صنعتی شدن و سرمایه‌داری در زندگی روزمره، پیشرفت تکنولوژیکی، لیبرالی‌شدن دولت و اقتصاد و سکولاریزاسیون اندیشه و زندگی عمومی بود. در این‌صورت صرفاً ناگفتگرددن بر تجربه‌ها و غریزه که از امری طبیعی سرچشمه می‌گرفت، کفایت نمی‌کرد. علاوه بر اینها



شکل‌های زندگی: نومحافظه‌کاری از منظر لیبرال

چرا محافظه‌کار نیستم؟



نادر شهریوری (صدقی)

محافظه‌کاری مانند هر ایده دیگری مثل لیبرالیسم یا سوسیالیسم به گرایش‌های مختلفی تقسیم می‌شود که هرکدام از این گرایش‌ها بنا بر مقتضیات جامعه و شرایط داخلی و خارجی، به ناگزیر سیاست‌های معینی را البته در همان چارچوب در پیش می‌گیرند. ازجمله این محافظه‌کاری می‌توان از محافظه‌کاری ماقبل انقلاب، محافظه‌کاری رمانتیک و یا محافظه‌کاری مرسوم به «رستوراسیون» نام می‌برد که می‌کوشد با حفظ موجود، برنامه‌ای برای بازگشت به گذشته و اعاده ارزش‌هایی که به آن باور دارد، در پیش گیرد و همین‌طور گرایش متأخرتر محافظه‌کاری که از آن به نومحافظه‌کاری نام می‌برند. نومحافظه‌کاری از این دست را می‌توان در کوران جنگ جهانی اول مشاهده کرد. در آلمان سال‌های ۱۹۱۸ تا ۱۹۳۳ موجی از «بازگشت به خویش» در واکنش به ایدئولوژی‌های سیاسی شکل گرفت که بیش از هر چیز بازگشت به جهان پیش از سرمایه‌داری را طلب می‌کرد. برای این نوع محافظه‌کاری دنیای پیش از سرمایه‌داری همان فضای آشنا و نزدیک به خانه بود که تنها کافی بود دوباره بازسازی شود. این نومحافظه‌کاری می‌تواند خود را در قالب ناسیونال سوسیالیسم مطرح کند، چنان‌که نومحافظه‌گرایی -راست افراطی- منجر به قدرت‌گرفتن هیتلر در ۱۹۳۳ گردید. اگرچه میان محافظه‌کاری و فاشیسم تفاوت‌های اساسی وجود دارد، مرزهای مشترکی نیز به‌خصوص میان محافظه‌کاری رمانتیک و نومحافظه‌کاری با راست افراطی وجود دارد، زیرا آنچه در این قبیل محافظه‌کاری‌ها وجود داشت توهم بازگشت به گذشته پرشکوه، نوعی برتری تمدنی و نژادی بود که اقتدارگرایی حاکم می‌تواند آن را چنان بال بر دهد که خود را ابرقدرت و بالاتر از سایر کشورها قلمداد کند که تشدید آن به افراطی‌تر نوع سیاست راست‌گرا منتهی می‌شود. این نوع محافظه‌کاری فاصله خود را با بسیاری از ایده‌های موجود در جهان بیشتر می‌کند.

محافظه‌کاری همچون سایر ایده‌ها مورد نقد نیروهای سیاسی قرار می‌گیرد. این تنها طیف وسیع و تنوع‌یافته چپ‌گرایی نیست که محافظه‌کاری را بنا بر سنت تاریخی خود نقد می‌کند، بلکه گاه لیبرال‌ها نیز محافظه‌کاری را خطری جدی قلمداد کرده و به نقد آن می‌پردازند. در میان نقدهای لیبرالیسم نقدهای فریدریش فون هایک*** از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. اهمیت هایک بیشتر به جایگاه او به‌عنوان یکی از برجسته‌ترین لیبرال‌ها برمی‌گردد، به‌ویژه آنکه وی در دهه ۱۹۷۰ همراهی با سیاست‌مداران را آغاز کرد و ایده‌های او در دهه‌های آخر قرن بیستم، راهنمای عمل محافظه‌کارانی همچون تاجر قرار گرفت. با

این حال، هایک در مطلبی با عنوان «چرا محافظه‌کار نیستم؟» به نقد سیاسی محافظه‌کاری می‌پردازد؛ نقدهای هایک از آن منظر قابل تأمل است که از منظر یک لیبرال بن‌بست‌های محافظه‌کاری را آشکار می‌کند. او اگر چه بر این باور است که می‌توان از برخی ایده‌های محافظه‌کاری سود برد، اما در عین حال بر این باور خود نیز تأکید می‌کند که مابین وضعیت لیبرالی و محافظه‌کاری شک‌های گسترده‌ای وجود دارد. به نظر هایک نومحافظه‌کاری با نوعی بدبینی نسبت به «تغییر» می‌کوشد تنها قدرت خود را تثبیت کند. به بیان دیگر نومحافظه‌کاری- و به‌طور کلی سایر محافظه‌کاران- آمادگی بیشتری دارند تا به قدرت اعتماد کنند. از این نظر آنان با نظرات و ایده‌های مبتنی بر ایده‌های انتزاعی مخالفند و آن ایده‌ها را در اصل مخالف با امور تجربه‌شده‌ای می‌دانند که از قبل وجود داشته و گویا وجود خواهد داشت. به نظر هایک مسئله اساسی محافظه‌کاری آن است که بی‌واسطه شیفته قدرت است و از امتیازات دفاع می‌کند، ناسیونالیست است و مهم‌تر از همه از نظر هایک «نمی‌تواند در راستایی که حرکت می‌کند، جانشینی ارائه دهد. ممکن است در برابر تمایلات جاری برای کندکردن تحولات نامطلوب مقاومت کند، اما چون راستای دیگری را نشان نمی‌دهد، نمی‌تواند از تداوم آنها جلوگیری کند. به همین دلیل، سرنوشت ناگزیر محافظه‌کاری این بوده است که در طول راهی که خود انتخاب نکرده است افغان و خیزبان برود»^۱. ایده‌های هایک از آن جهت می‌تواند اهمیت پیدا کند که گاه ایده‌های محافظه‌کارانه و لیبرالی چنان به هم نزدیک می‌شوند که نمی‌شود آنها را از هم متمایز کرد، اما نقد هایک که به‌نوعی می‌توان آن را مرزبندی یا محافظه‌کاری دانست، به ناگزیر بر «تغییر» شتابان تحولات جامعه صحنه می‌گذارد.

محافظه‌کاری افراطی بسته به تغییرات درونی جامعه با گاه بر اثر خلا ناشی از قدرت می‌کوشد قدرت خود را در جنگ‌های سرد و جنگ‌های گرم اعمال کند؛ آنچه در این نوع از محافظه‌کاری پدرسالارانه مشهود است، «شخصی‌کردن» قدرت همراه با تعصب و شیوع دشمنی است که موجب وضعی بیشتر روان‌شناسی می‌شود و وضعی سیاسی.

«**کلمه «کنسرو» که معمولاً به مواد غذایی گنته می‌شود که در ظروف آهنی دربسته نگهداری می‌شود تا- از عوامل بیرونی محفوظ نگه داشته شوند، از فعل فرانسوی conserver به معنای نگهداری یا حفظ‌کردن گرفته شده است.**

«**در انگلستان، کشوری با ریشه‌های قوی محافظه‌کاری، قانون اساسی مدون وجود ندارد و به‌جای آن از قوانین پارلمانی و رویه قضائی و سنت‌ها و عرف‌های موجود استفاده می‌شود.**

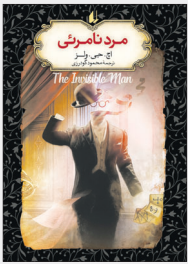
«**فریدریش فون هایک (۱۸۹۹-۱۹۹۲) همسره با رابرت نوزیک و جان رلز، سه اندیشمند برجسته لیبرال است که تأثیرات لیبرالی زیادی در جامعه و سیاست گذاشت. هایک در ۱۹۷۴ موفق به دریافت نوبل اقتصاد شد.**

۱. **مقاله «چرا محافظه‌کار نیستم؟» از کتاب «بنیاد آزادی» نوشته هایک، به نقل از نوشته آندرو گامبل، ترجمه عبدالرحمن عالم.**



پرومته مدرن

در روستای ایبینگ در غرب ساسکس. اما به تدریج، این فضای طنزآلود جای خود را به وحشتی عمیق و فلسفی می‌دهد. این تغییر لحن تصادفی نیست. ولز با انتخاب یک دهکده کوچک انگلیسی به‌عنوان خُردجهان اجتماعی، تضاد میان امر عادی و امر هیولایی، جمعی و بیگانه را برجسته می‌کند. گریفین در وضعیت نامرئی‌بودن خود، هم‌زمان قدرتی ماورایی می‌یابد و در انزوایی مطلق گرفتار می‌شود؛ رها از قیود اجتماعی، اما تپمی از هر پیوند انسانی. «مرد نامرئی» را می‌توان تمثیلی از غرور علمی دانست. گریفین تجسم پرومته مدرن است؛ شخصیتی که می‌کوشد از رهگذر دانش بر محدودیت‌های انسانی غلبه کند. گریفین شخصیتی تراژیک و



مرد نامرئی
هربرت جرج ولز
ترجمه محمود گودرزی
نشر افق

یاد

مرگ خاموش

شهرام شاه‌رختاش از شاعران و منتقدانی بود که در دهه طلایی چهل به عرصه آمدند. با این حال دست سرنوشت به‌گونه‌ای رقم خورد که شاعر در سال‌های پایانی عمرش در دشواری و گمنامی زیست تا مرگ به سراغش آمد. شاه‌رختاش که یک سال پیش در ۲۳ اردیبهشت سال ۱۴۰۴ از دنیا رفت، در سال ۱۳۲۷ در تهران به دنیا آمده بود. او فعالیت ادبی‌اش را در دهه چهل از «جنگ طرفه» آغاز کرد و در ادامه مقالات متعددی در نشریات دیگری همچون «فردوسی» و «آیندگان ادبی» و جنگ‌های ادبی وابسته به جنگ طرفه منتشر کرد. نخستین مجموعه شعر شاه‌رختاش با عنوان «خواب‌های فلزی» در سال ۱۳۴۶ منتشر شد. پس از آن، دفترهای شعر دیگری از او با عناوین «شهر دشوار حنجره‌ها»، «فصل غلیظ گیسو»، «از این دریای ناپیدا کرانه» و «دست بر پیشانی ایام» منتشر شد. او همچنین کتابی هم درباره رباعیات خیام منتشر کرده بود. مجموعه اشعار شاه‌رختاش نیز چند سال پیش توسط نشر افراز منتشر شد.

پس از درگذشت شاه‌رختاش، تا چند روز مراحل اداری و کفن و دفنش طول کشید و برای دفن او در قطعه نام‌آوران موانع زیادی پیش آمد. شاه‌رختاش که عضو قدیمی کانون نویسندگان ایران بود، در حالی از دنیا رفت که سال‌ها در سکوت و بی‌خبری زندگی کرد تا جایی که با انتشار خبر درگذشتش بود که دوباره به یاد آورده شد.

ازاعماق

ابراهیم رهبر، داستان‌نویس، نمایش‌نامه‌نویس و از اعضای اولیه کانون نویسندگان ایران که در سال ۱۳۱۷ در شهر صومعه‌سرا متولد شده بود، پس از آنکه چند سالی را در انزوا سپری کرد، سرانجام در اردیبهشت سال گذشته درگذشت. رهبر به نسلی از داستان‌نویسان ایرانی تعلق داشت که در دهه چهل نخستین آثارشان را منتشر کردند. او نیز مثل بسیاری دیگر از هم‌نسلانش گرایش چپ داشت و به دلیل فعالیت و گرایش سیاسی‌اش در سال ۱۳۵۲ بازداشت و زندانی شده بود. پس از تحصیلات متوسطه برای ادامه تحصیل در دانشگاه و در رشته زمین‌شناسی وارد دانشگاه تهران شد. هم‌زمان با تحصیل به‌عنوان معلم مشغول به کار شد و یکی از نویسندگانی بود که اولین داستان‌هایش را در سال‌های ابتدایی دهه چهل در نشریاتی همچون «سخن»، «آرش»، «نگین» و «هنر و اندیشه» منتشر کرد. نخستین داستانی که از رهبر منتشر شد به سال ۱۳۴۳ برمی‌گردد. «مرغزار» عنوان این داستان است که در نشریه «طرفه» منتشر شد. انتشار این داستان نوید این را می‌داد که داستان‌نویس توانای دیگری به ادبیات اقلیمی شمال اضافه شده است. رهبر در «مرغزار» به مضامین و ویژگی‌هایی توجه نشان داده که در ادبیات اقلیمی شمال بارز و برجسته بود. در اردیبهشت ۱۳۴۴ داستان دیگری از رهبر با عنوان «چهار جهت اصلی» در مجله «اندیشه و هنر» منتشر شد. این داستانی است موزج که فضای دیگری از توانایی رهبر را در قوه‌نویسی نشان می‌دهد. اما نخستین کتابی که از سه نمایش نامه دیگر» نام داشت. رهبر در همه آثارش به مسائل اجتماعی آن دوران توجه داشت و فقر و نابرابری‌های اجتماعی را در داستان‌هایش برجسته کرده است. او یکی از داستان‌نویسان آن دوره ادبیات ایران است که در آثارشان تصویری از اعماق جامعه به دست داده‌اند. در مجموعه داستان «سگواران» که در سال ۱۳۵۳ منتشر شد، به فرهنگ عامه توجه کرده و از داستان به قصد توصیف‌های فولکلوریک استفاده کرده است. رهبر در یکی دیگر از مجموعه داستان‌هایش با نام «من در تهرانم» که در سال ۱۳۵۲ منتشر شد، به سراغ توصیف فضای شهری در دهه پنجاه رفته است. داستان‌های این مجموعه تصویری برخلاف کلیشه جعلی که در سال‌های اخیر از دوره پهلوی ساخته شده، به دست می‌دهند. این داستان‌ها فروپاشی بخش‌هایی از جامعه را در روند نوسازی یک سوسیه آن دوره نمایش داده‌اند. ابراهیم رهبر از نویسندگان «بازار، ویژه ادبیات و هنر» هم بود و از سال ۱۳۴۹ با کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان نیز همکاری داشت.